

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۴، بهار و تابستان ۱۴۰۱، شماره ۲۷

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۲۴۲-۲۱۹

## چیستی، گونه‌شناسی و کارکرد شرح صدر در روایات

هاجر باختری ابراهیم‌سرایبی\*

### چکیده

شرح صدر موهبتی الهی و نوعی بسط وجودی، معرفتی و افزایش ظرفیتی است که قابلیت درک معارف و حقایق را ایجاد می‌کند و زمینه پذیرش نور ایمان را فراهم می‌آورد. لذا تحقیقی سنت‌پژوهی، درباره چیستی و کارکرد شرح صدر حائز اهمیت است زیرا در روایات بسیاری به آن اشاره شده است. این پژوهش بر اساس ماهیت و روش، تحقیقی کیفی است. با استقراء روایات شرح صدر، دسته‌بندی موضوعی و در نهایت تحلیل و تبیین، ارتباط میان روایات را ترسیم می‌نماید. در این پژوهش ابتدا گونه‌شناسی روایات شرح صدر و سپس تبیین و تحلیل عوامل زمینه‌ساز، خصایص و نتایج شرح صدر، مورد مذاقه قرار گرفت. شرح صدر فضل و منتهی بر پیامبر ﷺ و امری فراتر از مقام نبوت است که در صورت تحقق عبودیت و بندگی از جانب خداوند متعال اعطا و مقدمه‌ای است تا فرد به وسیله آن به هدایت رهنمون گردد. از آنجا که امام حاق شرح صدر، معدن علم و نورانیت قرآن است، معیت و شناخت امام بالنورانیه و پذیرش قلبی فضایل او، شرح صدر است. این پژوهش به شناخت مصادیق و راه دستیابی به شرح صدر می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: شرح صدر، عبودیت، علم، امام.

\* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه رفاه تهران، ایران، bakhtary110@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۶

## ۱. مقدمه

شرح صدر عطیه‌ای الهی و نوعی بسط وجودی، معرفتی و افزایش ظرفیتی است که قابلیت درک معارف و حقایق را ایجاد می‌کند، تحقق و فعلیت یافتن استعداد پذیرش نور ایمان در انسان را فراهم می‌آورد، و به واسطه عبودیت و علمی که از سنخ نور است ایجاد می‌شود و امری باطنی و درونی است. در اهمیت شرح صدر همین بس که خداوند متعال آن را فضل و متی بر پیامبر خویش برشمرده (انعام: ۱۲۵) و رسول اکرم را بر سایر پیامبران برتری بخشیده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۵۰۸) عده‌ای از مفسران قائل‌اند شرح صدر پیامبر اسلام ﷺ بالاتر از معجزه انبیای پیشین بوده است. (مکارم شیرازی، بی تا، ج ۲۷، ص ۱۲۳) همچنین وقتی حضرت موسی علیه السلام مأمور به رویارویی با فرعون شد، درخواست شرح صدر نمود. استمداد یاری از پروردگار با وجود نبوت و عصمتی که دارا بود، حاکی از آن است که در واقع شرح صدر موضوعی فراتر از مقام نبوت است و دلالت بر سکنه الهی می‌کند. با این شرح صدر است که حضرت موسی علیه السلام کاخ ستم فرعون را ویران و بنی اسرائیل را نجات می‌دهد. همچنین در روایات، شرح صدر از خصوصیات شیعیان و بندگان است که خداوند اراده خیر برای آنان نموده و از ویژگی‌های مؤمن ممتحن و دلیل استکمال دین شمرده شده است. (علوی، ۱۴۲۸ق، ص ۷۰) شرح صدر سبب نورانیت باطن و ایجاد بصیرت می‌گردد و از خصایص امام معصوم است. (طبرسی، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۴۳۷) با توجه به آیه ۵۱ سوره ذاریات که فلسفه خلقت انسان را عبودیت ذکر کرده و از آنجا که عبودیت و شرح صدر ارتباط وثیقی دارند، اهمیت بررسی چیستی و ماهیت شرح صدر دوچندان می‌شود. سؤال این تحقیق این است که شرح صدر در روایات به چه معنایی است و کارکرد آن چیست و چگونه می‌توان بدان دست یافت؟

بر اساس روایات، شرح صدر زمانی محقق می‌گردد که فرد عبد شود. اگر کسی به شرح صدر دست یافت، سعه وجودی یافته و استعدادهایش شکوفا شده و در نهایت به قرب و کمال الهی دست می‌یابد. بررسی مفهومی و چیستی شرح صدر می‌تواند در فهم دقیق‌تر آیات و روایات راهگشا باشد؛ همچنین ظرایف و نکات حاصل از این بررسی می‌تواند فراروی کسانی قرار گیرد که به دنبال شرح صدر هستند تا از نعمت فهم قرآن

بهره‌مند شوند.

### ۱-۱. پیشینه تحقیق

در خصوص شرح صدر، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های مختلفی نوشته شده است؛ از جمله: کتاب شرح صدر (وائقی، ۱۳۸۹ش) در مورد صلاحیت‌های اخلاقی مدیران از دیدگاه اسلام؛ کتاب شرح صدر (طلوع، ۱۳۸۶ش) که مجموعه‌ای از مفاهیم اخلاقی از نظر امام خمینی علیه السلام است؛ کتاب شرح صدر در قرآن و روایات (میری، ۱۳۹۵ش) و کتاب برگزیده فرهنگ قرآن (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸ش). همچنین می‌توان به پایان‌نامه مسعود رودباری (۱۳۸۵ش) با عنوان بررسی شرح صدر در آیات و روایات اشاره کرد. در موارد مذکور درباره چیستی و رابطه بین شرح صدر و سعه صدر تحقیق نشده است. البته درباره سعه صدر به عنوان اخلاق اجتماعی گفت‌وگو شده ولی یافتن ماهیت و چیستی شرح صدر، کارکرد و تأثیر آن بر باورمندی افراد نکته‌ای است که در این تحقیق بر اساس روایات مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

### ۲. معناشناسی

#### ۱-۲. معنای لغوی

در کتب لغت، ذیل واژه شرح، معناهایی همچون کشف و بیان، باز کردن، گشودن، روشن و آشکار نمودن (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۲۴، ص ۳۸۰؛ قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۹۷)، توسعه و وسعت بخشیدن (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ذیل واژه) آمده است. شرح مطلب یعنی باز کردن، توضیح دادن و روشن ساختن آن. اصل آن از «شرح اللحم» یعنی تکه کردن گوشت است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۵۸) همچنین صدر را به معنای قفسه سینه دانسته و جمع آن را صدور می‌نامند؛ این واژه برای برجسته‌ترین و مقدم‌ترین بخش هر چیزی استعمال می‌شود، مانند صدر کلام، صدر کتاب، صدر مجلس و از آنجا که قلب در سینه قرار دارد، برای قلب هم مجازاً استعمال می‌شود. (طبرسی، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۲۷۵) شرح، نوع خاصی از توسعه و بسط موضوع است که در مقابل قبض و بسته بودن قرار دارد. در ترکیب معنایی شرح صدر می‌خوانیم: شرح صدر یعنی آمادگی برای دریافت معانی و حقایق عالم. (شعرانی و قریب، ۱۳۸۸ش، ص ۴) همچنین به معنای باز کردن سینه و برطرف ساختن دل‌تنگی و کنایه از تحقق

استعداد رسیدن به کمال و توانمندی روحی و معنوی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ذیل واژه)

## ۲-۲. معنای اصطلاحی

در روایات، شرح صدر خصوصیت و ویژگی است که در صورت تحقق عبودیت و بندگی از جانب خداوند متعال اعطا می‌شود. وقتی خداوند اراده خیر برای بنده‌ای نماید، در نتیجه مراتبی از تقوا و عمل صالح مبتنی بر آگاهی و معرفت همراه با لوازمی از جمله عبادت ذکر و دعا به وی افزوده می‌گردد. شرح صدر با عبودیت ارتباط وثیقی دارد و مقدمه‌ای است تا فرد با آن به هدایت رهنمون شود.

## ۳. روش تحقیق

روش پژوهش حاضر به صورت کیفی است. در این پژوهش بررسی عمیق و همه‌جانبه روایات در حوزه شرح صدر مورد بررسی و مذاقه قرار خواهد گرفت. در نتیجه پژوهش مورد نظر، بر اساس ماهیت و روش تحقیق در زمره تحقیقات کیفی است. یکی از قسمت‌های منحصربه‌فرد این پژوهش رویکرد آن به تحلیل روایات است. با توجه به استقراء روایات، دسته‌بندی موضوعی و سپس تحلیل و تبیین روایات، خط سیر و محورهای کلی و جزئی روایات مشخص می‌گردد.

با توجه به روش ذکرشده، شرح صدر و واژگان مرتبط، در نرم‌افزار جست‌وجو شد و موارد حاصل، گونه‌شناسی و سپس مورد بحث و بررسی قرار گرفت. مبنای جست‌وجو نرم‌افزار جامع الاحادیث ۳/۵ است که واژه‌های «شرح» با ۴۴۱۶۳، «صدر» با ۲۵۳۰۹، واژه ترکیبی «شرح صدر» با ۵۲۹ و عبارت «شرح صدر» با ۷۰ نتیجه مورد بررسی قرار گرفت.

## ۴. گونه‌شناسی روایات شرح صدر

تتبع در روایات ناظر بر شرح صدر، بیانگر ویژگی‌های پیامبر ﷺ، امام و پیشوای دینی، و در برخی دیگر با شیعه واقعی و تولی او نسبت به امام معصوم و انسان مؤمن در پیوند بوده و بر مبنای برخی دیگر از روایات به طور مصداقی با خیرخواهی خدا نسبت به بنده، و انعام و پاداش الهی به وی مرتبط و در خصوص آن تصریح شده است. تفصیل این موارد از قرار ذیل است:

۱-۴. در برخی روایات شرح صدر از خصایص پیامبر ﷺ است: «... شرح صدره بأنوار المحبة والالطف والكرامة...» (بکری، ۱۴۱۱ق، ص ۳)؛ ... با انوار محبت و لطف و کرامت به او شرح صدر بخشید... .

کسی که به شرافت نبوت و رسالت مشرف می‌شود باید ملتزم به شرح صدر باشد.

۲-۴. در برخی روایات این ویژگی جزء خصوصیات امام و پیشوا برشمرده شده است: «...وَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأُمُورِ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ لِذَلِكَ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۰۳)؛ ... هرگاه خداوند بنده‌ای را برای امور بندگان برگزیند، برای این کار سینه‌اش را گشاده می‌گرداند... .

هنگامی که خداوند فردی را به‌عنوان امام برمی‌گزیند، به وی شرح صدر عطا نموده حکمت‌های الهی و علوم مختلف را بر وی جاری می‌سازد؛ به‌واسطه این خصوصیت است که امام از پاسخ‌گویی و تشخیص صحیح از سقیم درمانده نمی‌شود و این امتیاز دلیلی بر اتمام حجت بر بندگان می‌باشد.

۳-۴. در برخی روایات، این واژه دربارهٔ منسویین به ائمه ﷺ به کار برده شده است: «... وَ هُوَ مَنْسُوبٌ إِلَيْنَا أَدْرَّ اللَّهُ رِزْقَهُ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ...» (همان، ص ۵۳۶)؛ ... درحالی‌که از شیعیان ما باشد و به ما نسبت داشته باشد، خداوند روزی را برای او فراوان می‌کند، به او روح وسیع و شرح صدر می‌دهد... .

منسوب بودن به ائمه ﷺ از جمله مسائلی است که شرح صدر را به ارمغان می‌آورد. البته شرط انتساب را انتظار امر فرج و یاری اهل بیت ﷺ و به خشم درآوردن دشمنان اهل بیت (تولی و تبری) دانسته که این حدیث به‌وضوح گویای ارتباط شرح صدر و معیت و همراهی با امام معصوم ﷺ دانسته شده است.

۴-۴. در برخی روایات هرگاه خداوند برای بنده‌ای خیر بخواهد، به او شرح صدر اعطا می‌کند: «... وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ...» (همان، ج ۸، ص ۱۳)؛ ... بدانید که اگر خدا برای بنده‌ای خیر بخواهد سینه‌اش را برای پذیرش اسلام بگشاید... .

وقتی خداوند متعال ارادهٔ خیری به یکی از بندگان داشته باشد، سینهٔ او را برای تسلیم در برابر آن خیر گشاده می‌گرداند. زبان او را به حق گویا می‌کند. قلب او را بر آن حق گره می‌زند و عبد موفق می‌شود به آنچه قلب او به آن پیوند خورده عمل بکند. در

این صورت اسلام بنده به تمامیت و کمال خود می‌رسد. و بر خداست که اگر این بنده او در چنین حالی از دنیا رفت، حقیقتاً از مسلمان‌ها شمرده شود. (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱۱، ص ۱۸۵)

۵-۴. در برخی روایات، اعطای شرح صدر، انعام خداوند و پاداش بر طاعت به بندگان ذکر شده است: «...من أراد الله تعالی أن ینعمه و یشیه جزاء علی طاعته شرح صدره للاسلام...» (مفید، ۱۳۱۳ق، ص ۵۲)؛ هرکس که خداوند متعال بخواهد به او نعمت ببخشد و به‌عنوان پاداش اطاعتش به او پاداش دهد، شرح صدر می‌دهد....

شرح صدر و اعطای آن را پاداش بر طاعت و نعمتی از جانب خداوند جهت استمرار فرد در اطاعت و هدایت‌پذیری معرفی کرده است. بدیهی است ورود به مسیر هدایت و اطاعت و استمرار داشتن بر آن جز از طریق نعمت شرح صدر محقق نمی‌شود.

۶-۴. در برخی روایات، شرح صدر از خصایص شیعیانی است که درصدد معرفت نورانیت امیرالمؤمنین علیه السلام هستند: «... فَإِذَا عَرَفَنِي بِهَذِهِ الْعُرْفَةِ فَقَدْ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ...» (حافظ برسی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۵۵؛ علوی، ۱۴۲۸ق، ص ۶۸)؛ ... پس هنگامی که مرا به کُنه معرفت شناخت، محققاً خداوند قلب او را به ایمان آزمایش کرده و سینه‌اش را برای اسلام گشایش داده است...

وجوب معرفت امام از آن‌روست که شرط کمال ایمان ذکر شده و اگر مؤمنی این معرفت را داشته باشد، در واقع خدا قلب او را به ایمان امتحان کرده و وی مؤمن واقعی است. این معرفت، شرح صدر به ارمغان می‌آورد و انسان را عارف و مستبصر می‌کند. اگر کسی به امام معرفت داشته باشد، معرفت او به خدا هم کامل است. معرفت امام بالنورانیه در واقع معرفت الله است، چون امام مظهر اسماء الهی است. امیرالمؤمنین علیه السلام در فراز دیگری از خطبه نورانیت می‌فرماید: «المؤمن الممتحن هو الذی لا یرد من أمرنا إلیه شیء إلا شرح الله صدره لقبوله و لم یشکّ و لم یرتد» (همان، ص ۷۰)؛ مؤمن آزموده‌شده کسی است که هرچه از امر (امامت) ما به او برسد، خداوند سینه‌اش را برای پذیرش آن بگشاید و شک نکند و مرتد نشود.

بر اساس خطبه نورانیت می‌توان گفت: شرح صدر یعنی هر فضیلتی از امیرالمؤمنین علیه السلام مطرح شد با تمام وجود پذیرا بوده و قبول نماید و در آن شک نکند.

۷-۴. در برخی روایات، شرح صدر از خصوصیات مؤمن شمرده شده است: «... مَا مِنْ عَبْدٍ مِّنَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَجَعَلَ هُوَ لَاءِ الْكَلِمَاتِ فِي قَلْبِهِ إِلَّا جَعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِهِ وَ الْبَقِيْنَ فِي قَلْبِهِ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِيْمَانِ...» (طبرسی، ۴۱۲ق، ص ۳۴۴)؛ ... هیچ بنده‌ای نیست که خداوند بر او منت نهاده باشد و این کلمات را در قلبش افکند مگر اینکه نور در چشمش و یقین در قلبش قرار می‌دهد و به او شرح صدر برای ایمان می‌دهد... .

این حدیث بخشی از یک حدیث طولانی است که در آن به اسامی و ادعیه‌ای اشاره شده و در نهایت این آموزش اسامی متنی از جانب خداوند متعال تلقی گردیده و در ازای این اسامی، خداوند متعال شرح صدر را روزی فرد می‌نماید. برای او نوری از مجلسش تا عرش قرار می‌دهد که می‌درخشد و خداوند به واسطه آن هر روز دو بار بر ملائکه‌اش مباحث می‌کند، و حکمت را در زبانش می‌افکند و حفظ و فراگیری کتابش را روزی او می‌نماید - حتی اگر بر آن حریص نباشد- و او را در دین فقیه می‌گرداند و محبت او را در قلب‌های بندگانش می‌افکند.

## ۵. بررسی روایی شرح صدر در تفاسیر

### ۱-۱. تفاسیر شیعه

بر مبنای برخی تفاسیر روایی شیعه و ذیل بعضی آیات در سوره‌هایی مانند انعام، زمر، طور و انشراح به این موضوع پرداخته شده است. برای نمونه ذیل آیه ۱۲۵ سوره انعام امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «به‌درستی که دل در درون انسان به تکاپو می‌افتد تا حق را بیابد، پس هرگاه که آن را یافت، آرامش می‌گیرد.» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۷۶) امام رضا علیه السلام دربارهٔ چگونگی ایجاد آرامش فرمودند: «کسی را که خدا می‌خواهد او را با ایمان خویش در دنیا به سوی بهشت و خانهٔ کرامت خود در آخرت هدایت کند، سینهٔ وی را برای تسلیم به خدا و اعتماد بر او و اطمینان به پاداشی که وعده داده است می‌گشاید تا اینکه او [به خدای خویش] اطمینان پیدا کرده و آرامش یابد.» (بحرانی، ۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۷۷) فیض کاشانی نیز دربارهٔ شرح صدر می‌نویسد: «کسی که خدا بخواهد او را هدایت کند یعنی حق را به او بشناساند و او را برای ایمان موفق گرداند، خداوند سینه‌اش را برای اسلام گشاده می‌سازد؛ یعنی قلبش را در این حوزه وسیع و گسترده می‌گرداند و این کنایه‌ای است بر اینکه خداوند قلب او را پذیرندهٔ حق می‌گرداند و آمادهٔ دریافت آنچه

بر اوست، چه از آن منع شده باشد و چه سودمند باشد. (۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۵۵)  
 استرآبادی ذیل آیه ۲۵-۲۶ سوره طه درخواست شرح صدر حضرت رسول ﷺ از  
 خداوند و اجابت آن را وزارت امیرالمؤمنین و پشتیبانی ایشان گزارش کرده است.  
 (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۰۵) همچنین ذیل آیه ۲۲ سوره زمر شأن نزول آیه را  
 امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام دانسته است. (همان، ص ۵۰۳)

علی بن ابراهیم قمی ذیل آیه ۱ و ۲ سوره انشراح آورده است: «خداوند سینه پیامبر  
 اکرم صلی الله علیه و آله را گشود و کارها را برایش آسان نمود.» (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۴۲۸) فرات بن  
 ابراهیم کوفی نیز از قول امام باقر و امام صادق علیهما السلام ذیل همان آیه، شرح صدر را معرفی  
 امیرالمؤمنین به عنوان وصی پیامبر ذکر کرده است. (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۷۴) این مطلب در  
 تفسیر البرهان نیز گزارش شده است. (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۶۸۹) در تفسیر صافی  
 این مطلب مشروح تر گزارش شده است: «آیا به تو شرح صدر ندادیم» گفته شده آیا  
 سینه تو را با علم و حکمت و دریافت وحی نگشودیم و به تو قدرت صبر بر آزار و  
 اذیت ندادیم تا جایی که سینهات برای مناجات با حق وسیع شد و مردم را به سوی  
 خداوند دعوت می کردی. قمی گفته شرح صدر پیامبر به واسطه امیرالمؤمنین بود که او را  
 وصی تو قرار دادیم.» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۴۳) در همین راستا از امام  
 صادق علیه السلام درباره «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» نقل کرده اند که فرمود: «با ولایت امیرمؤمنان  
 حضرت علی علیه السلام (برازش، ۱۳۹۴ش، ج ۱۸، ص ۱۹۴)؛ یعنی عامل شرح صدر پیامبر صلی الله علیه و آله  
 ولایت امیرالمؤمنین است.

آنچه از رهگذر بررسی چنین روایاتی به دست می آید، نفطن بر معنای تأویلی باطنی  
 این واژه است که به نحوی با نام امیرالمؤمنین علیه السلام و ولایت او در پیوند با معنای شرح  
 صدر گره خورده است.

## ۲-۵. تفاسیر اهل سنت

بحث از شرح صدر در برخی تفاسیر روایی اهل سنت نیز قابل توجه است. بر اساس  
 برخی از این روایات شرح صدر نشانه و آیت بوده و بر مبنای برخی دیگر شرح صدر  
 نتیجه و پیامد مثبت پایبندی به مقولاتی مانند توحید، اسلام، ایمان و علم (حقیقی) توسط  
 پیامبر صلی الله علیه و آله است. به دیگر سخن در این قبیل موارد، شرح صدر به مثابه نتیجه موحد بودن



پیامبر به شمار رفته که تبلور آن را در نبوت و ارتباط او با آموزه‌های وحیانی باید مورد توجه قرار داد. در همین راستا روایات سیوطی سمرقندی، ثعلبی و طبری در تفاسیر روایی‌شان یادکردنی است؛ مثلاً سیوطی (۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۴) در ذیل آیه ۱۲۵ سوره انعام به این نشانه‌ها توجه کرده و آن را آورده است؛ همچنین در روایت دیگری شرح صدر را نتیجه توحید و ایمان به آن دانسته است. (همان، ج ۳، ص ۴۵)

سمرقندی شرح صدر را آمادگی قلب برای پذیرش اسلام و نرم شدن قلب و ورود حلاوت ایمان به قلب ذکر کرده است. (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۸۰) سیوطی نیز ذیل آیه ۲۵-۲۶ سوره طه شرح صدر پیامبر را اجابت دعای آن حضرت برای خلیفه بودن امیرالمؤمنین علیه السلام می‌داند. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۹۵) وی همچنین ذیل آیه ۱ و ۲ سوره انشراح شرح صدر را پُر شدن قلب پیامبر از حلم و علم ذکر کرده است. (همان، ج ۶، ص ۳۶۳)

سمرقندی در جای دیگری شرح صدر را شست‌وشوی سینه پیامبر و پُر کردن آن از علم و ایمان تفسیر کرده است (اشاره به حدیث مشهور میان اهل سنت). (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۵۹۳) ثعلبی شرح صدر را پذیرش وحی دانسته است. (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۲۳۲)

طبری نیز نورانی و گشاده نمودن سینه پیامبر علیه السلام برای نبوت را شرح صدر تلقی کرده است. (طبری، ۱۴۱۲ق، ص ۵۰۶) ابن کثیر هم به همین معنا اشاره نموده است. (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۴۱۵)

### ۳-۵. جمع‌بندی معانی مشترک شرح صدر در روایات فریقین

معانی شرح صدر در تفاسیر شیعی به یافتن حق و اطمینان و قرار یافتن قلب به آن، تسلیم بودن در برابر خداوند، اطمینان و سکون در برابر وعده ثواب، شناخت حق و پذیرش آن، پایداری در ایمان و آمادگی قلب برای اجرای دستورات الهی، نوری که خداوند بر قلب مؤمن فرومی‌آورد، اطلاق یافته است. جلوه بارز این سعه صدر را بر اساس گفته پیامبر علیه السلام در حضرت علی علیه السلام می‌توان یافت. پیامبر اکرم نیز به وسیله اعلام امام علی علیه السلام به عنوان وصی شرح صدر یافتند؛ در نتیجه شرح صدر جز با پذیرش ولایت امیرالمؤمنین حاصل نمی‌شود.

در تفاسیر اهل سنت (۳ مورد) نیز شرح صدر، نوری از جانب خداوند است که بر قلب بنده‌ای که خیر او را بخواهد فرومی‌آید و نشانه‌های آن پذیرش اسلام، پذیرش توحید و ایمان تبیین گردیده است؛ همچنین از نشانه‌های آن می‌توان به پر شدن قلب از علم و ایمان، پر شدن قلب از حلم و علم و قبول وحی و دوست داشتن خیرها (خوبی‌ها) اشاره کرد.

## ۶. تحلیل و بررسی

برای تبیین و تحلیل بهتر، بحث در سه بخش عوامل و بسترها، خصایص و نتایج شرح صدر پی گرفته می‌شود:

### ۱-۶. عوامل مؤثر در ایجاد شرح صدر

آنچه به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز شرح صدر در روایات دیده می‌شود عبارت‌اند از:

۱-۱-۶. **معرفت:** نخستین عامل مولد شرح صدر، معرفت حقیقی است. امام سجاد علیه السلام در «مناجات عارفین» می‌فرمایند: «خدایا ما را از کسانی قرار ده که درختان شوق و عشق به تو در باغ‌های سینه‌هایشان ریشه دوانیده... و با وصول به معرفت حقیقی و غیرقابل تردید به شرح صدر رسیده‌اند.» (قمی، ۱۳۹۲ ش)

۲-۱-۶. **عبادت:** مرکبی که دل را به سوی نور هدایت می‌کند، عبادت است و مراتب متفاوتی دارد؛ گاه از ترس جهنم و گاه به طمع بهشت است و گاه برای دوستی و جلب محبت حق. اولی عبادت بردگان، دومی عبادت بازرگانان و سومی را عبادت آزادگان خوانده‌اند. (کلینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۱۳۲) اگرچه هر سه مورد نیکو هستند، آخرین آن‌ها، بهترین هدف و تأمین‌کننده هدف الهی است که نتیجه آن، دریافت کمال رحمت پروردگار است.

۳-۱-۶. **ذکر:** امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: «الذکر یشرح الصدر.» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۸۹) یاد خدا به انسان شرح صدر می‌دهد. آن امام همام همچنین فرمودند: تداوم یاد خدا، دل و اندیشه را روشنایی می‌بخشد. (همان، ۱۸۹) در پرتو نورانیت قلب، انسان به معرفت حقیقی و شرح صدر می‌رسد. امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر را مایه جلالی قلب برشمرده‌اند؛ از خصوصیت این ذکر آن است که گوش پس از ناشنوایی بشنود و چشم پس از کم‌نوری بنگرد. (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲) ذاکر باید رحمت‌های حق را به قلب

خود برساند و به کمال رحمت الهی دست یابد؛ و علامت آن این است که با چشم عنایت بر بندگان خدا نظر کند و خیر و صلاح و سعادت فردی و اجتماعی همه را بخواهد. (خمینی، ۱۳۹۴ش [الف]، ص ۲۳۶)

۴-۱-۶. دعا: دعا و نیایش و از خدا خواستن نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در پیدایش شرح صدر برای انسان دارد یا به تعبیری دقیق‌تر، دعا مکمل سایر مقدمات تقوا و نورانیت قلب و معرفتی است که انسان را به شرح صدر می‌رساند.

### تحلیل بررسی عوامل شرح صدر در روایات

در روایات اسلامی، دو نوع علم و معرفت وجود دارد: علم و عرفان حقیقی و علم و عرفان غیرحقیقی. در سخنان پیامبر ﷺ نیز آمده است: «انّ من العلم جهلا» (راوندی، ۱۳۷۶ش، ص ۳۶) برخی از دانایی‌ها تحقیقاً نادانی است. همچنین امیرالمؤمنین ﷺ ضمن بیان مشخصات مبغوض‌ترین آفریده‌ها نزد خداوند متعال می‌فرمایند: «شبیبه مردم او را عالم می‌نامند ولی او در واقع عالم نیست.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷) علم و معرفت حقیقی عبارت است از شناخت حقایق هستی آنچنان که هست: «اللهم أرنا الأشياء كما هي.» (ابن ابی‌جمهور، ۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۳۲) معرفت واقعی زمانی حاصل می‌شود که حجاب از دیده دل برداشته شود؛ در این صورت، انسان هستی را با چشم حقیقت‌بین دل مشاهده می‌کند و آنچنان کانون جان از نور معرفت حقیقی روشن می‌شود که هیچ نقطه مبهمی باقی نمانده و هرگونه شک و تردید به حقایق عالم از دل زایل می‌گردد. در پرتو این نور است که ظرفیت معنوی انسان افزایش می‌یابد و به شرح صدر نائل می‌شود. شناخت هر حقیقتی از حقایق عالم در افزایش ظرفیت فکری انسان مؤثر است، ولی مسئله مهم، پیدا کردن علم و معرفتی است که ظرفیت روحی انسان را گسترش می‌دهد. هر علم و معرفتی موجب گسترش ظرفیت روحی انسان و شرح صدر نیست، بلکه معرفتی که از آن تعبیر به نور می‌شود، چنین بازتابی دارد و این معرفت جز از راه عمل و به‌کارگیری قوانین وحی برای انسان حاصل نمی‌شود. از این رو می‌توان گفت شرح صدر فقط در پرتو عبودیت و تقوا محقق می‌شود. تقوا حجاب‌های دیده دل را کنار می‌زند و با نور علم، جان را روشن می‌کند و در پرتو این نور شرح صدر به دست می‌آید. امیرالمؤمنین ﷺ می‌فرماید: «إنّ تقوی الله دواء داء قلوبکم، و بصر عمی افندتکم... و جلاء

غشاء ابصار کم.) (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹)؛ تقوای خدا تحقیقاً داری بیماری قلب‌های شما و بینایی کوری دل‌های شما و برطرف‌کننده حجاب دیده‌های شماست.

اگر برای شخصی معرفت حقیقی حاصل شد و معارف الهی در قلب وی منزل کرد و از وسوسه‌های شیطانی خالی شد، در مورد باری تعالی، به باور حقیقی می‌رسد که سبب رابطه شدید بین او و حق تعالی می‌شود که به آن «حبّ الهی» می‌گویند. دلی که حبّ الهی در آن منزل کند، از نور الهی پر شده و به همان اندازه وسعت می‌یابد و از تیرگی‌ها و وسوسه تیره‌دلان دور می‌شود. بنابراین شرح صدر حاصل از معرفت و حبّ الهی است که سبب می‌شود تا دل انسان خانه دوست شود و به چنان نورانی‌تی دست یابد که او را آماده رفتن به مراحل بالاتر کند و به عشق حقیقی که دربردارنده بالاترین معرفت است برساند. بنابراین مشاهده می‌شود که حبّ الهی، معرفت و شرح صدر، ارتباط تنگاتنگی برای تکامل بخشیدن به یکدیگر دارند. در همین راستا عبادت، انوار الهی را بر او می‌تاباند و قلب وی را نورانی می‌کند و سبب انشراح قلب می‌شود تا توانایی درک حبّ و عشق او را دریابد، تا آنجا که همه امور دنیوی را فدای او می‌کند. عبادتی که با حضور قلب باشد، سبب غنا می‌شود و آن از اوصاف کمالیه نفس است. (خمینی، ۱۳۹۴ش [ب]، ص ۴۴۴) اعلی مرتبه عبادت این است که فرد قلب را برای عبادت خدا از هر چیزی خالی کند و آن را از بی‌نیازی پر نماید. (قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۶۶) در حقیقت می‌توان گفت عبادت و شرح صدر رابطه دوسویه دارند؛ از طرفی عبادت خالصانه نیاز به شرح صدر دارد و شرح صدر هم زاده عبادت است. پس هرچه مرتبه عبادت والاتر باشد، شرح صدر حاصله بیشتر می‌شود. ذکر نیز از عوامل شرح صدر است. مقصود از ذکر امری قلبی است، بنابراین یاد خدا یعنی احساس حضور او. اگر این احساس بر انسان غلبه کند، به تدریج حجاب‌ها از دیده دل برداشته می‌شود و قلب منور می‌گردد. ذکر در قلبی وارد می‌شود که از کثافات خالی شود و طهارت یابد و به نورانیت متلبس شود. (خمینی، ۱۳۸۸ش، ص ۸۹) و این در صورتی است که ذاکر به شرح صدر برسد. برترین مصداق ذکر قرآن است که به وسیله آن انسان‌ها به شرح صدر رسیده و باطن آن‌ها نورانی می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «افضل الذكر القرآن، به تشریح الصدور و تستنیر السرائر.» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۸۹) قرائت قرآن اگر توأم با تدبر و تفقه باشد

زنگارهای آیینۀ دل را پاک می‌کند و زمینه را برای به کار بستن قوانین الهی فراهم می‌سازد، و عمل به قرآن تقوا می‌آفریند و در سایۀ تقوا انسان به نور علم می‌رسد و در پرتو این نور و معرفت حقیقی، شرح صدر حاصل می‌شود. این است که پیامبر اسلام ﷺ در مقام نیایش می‌فرماید: «خدایا با کتاب خودت دیده‌ام را روشنی ببخش و به وسیلۀ آن شرح صدر عطایم کن.» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۴) امیرالمؤمنین ﷺ نیز در ختم قرآن دعایی را قرائت و در آن شرح صدر از خداوند طلب می‌نمود. (سماهیجی، ۱۳۹۶ق، ص ۳۸۹) پیامبر ﷺ در اهمیت دعا فرمودند: «اکثر دعائی و دعاء الأنبیاء قلبی بعرفه... اللهم اشرح لی صدی و یسر لی امری.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۱) بیشترین دعای و من دعای پیامبران قبل از من در عرفه این است که... خدایا به من شرح صدر بده و کارم را آسان کن. در این حدیث شریف دو نکته قابل توجه است: ۱. نقش دعا در ایجاد شرح صدر؛ اگر دعا در ایجاد شرح صدر مؤثر نبود معنا نداشت که همه انبیای الهی آن‌هم در عرفه از خداوند متعال شرح صدر بخواهند. ۲. نقش اصولی شرح صدر در مدیریت و رهبری؛ وقتی همه انبیای الهی در حساس‌ترین وقت دعا، مطلبی را از خداوند متعال می‌خواهند، بی‌تردید این نشانه اهمیت فوق‌العاده موضوع دعا و نقش آن در ارتباط با مسئولیتی است که بر دوش آن‌هاست و آن مسئولیت چیزی جز مدیریت جامعه و رهبری مردم نیست.

## ۲-۶. خصایص شرح صدر

همان گونه که در گونه‌شناسی روایات شرح صدر ذکر شد، این ویژگی و خصوصیت به پیامبر، امام و پیشوا، منسوبین به ائمه ﷺ، بنده‌ای که خداوند برای او خیر بخواهد، پاداش بر طاعت به بندگان، شیعیانی که در صدد معرفت نورانیت امیرالمؤمنین هستند و مؤمنین اعطا می‌شود.

هرگاه خداوند بخواهد کسی را هدایت کند، سینۀ او را برای پذیرش اسلام گشاده می‌سازد تا تحمل ورود حقیقت اسلام و قرآن به قلبش را داشته باشد؛ در این صورت برای تسلیم در برابر اعتقادات صحیح و عمل صالح توسعه می‌یابد به طوری که هیچ مطلب حق و صحیحی به او پیشنهاد نمی‌شود مگر آنکه آن را می‌پذیرد. شرح صدر روح انسان را برای پذیرش اسلام حقیقی و توفیق اعمال نیک آماده می‌سازد، اما کسانی که

هدایت را برای خود نپسندیده و به سوی انحراف روانه شدند، خداوند قلب‌ها و روح مجردشان را آنچنان تنگ و بسته قرار می‌دهد که دیگر توفیق کار خوب یا عقیده سالم هم از آنان سلب می‌شود. یکی از معانی شرح صدر، این است که انسان در برابر خداوند تسلیم باشد و هرچه تسلیم و انقیاد در مقابل احکام و عقاید دینی بیشتر باشد، در واقع شرح صدر بیشتری تحقق می‌یابد. از این روست که علامه طباطبایی شرح صدر را به مفهوم توسعه و زمینه بیشتر داشتن برای دریافت علم و معرفت و حقایق وحی آسمانی دانسته است. (طباطبایی، ۱۳۷۹ش، ج ۷، ص ۳۶۲)

### ۶-۲-۱. مصادیق اراده خیر خداوند بر بنده در روایات

در دسته‌ای از روایات اشاره کردیم «که هرگاه خدا اراده خیر برای بنده‌ای داشته باشد بدو شرح صدر عطا می‌کند؛ وقتی این نعمت به او اعطا شد زبانش به حق گویا شده و بدان دل می‌دهد و عمل می‌کند، اسلامش به کمال می‌رسد، و در این صورت یک مسلمان حقیقی خواهد بود...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۳) لذا برای فهم بهتر اراده خیر خداوند برای بندگان، روایات مربوط به این موضوع بررسی می‌شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «خداوند عزوجل چون خوبی بنده‌ای را بخواهد، نقطه‌ای نورانی در دلش پدید آورد و گوش‌های دلش را بگشاید و فرشته‌ای راهنما بر او بگمارد. و چون بدی بنده‌ای را خواستار شود، نقطه‌ای سیاه در دلش ایجاد کند و گوش‌های دلش را ببندد و شیطانی گمراه‌کننده بر او بگمارد. سپس حضرت این آیه را تلاوت کرد: "و هر که را خداوند خواهان هدایتش شود سینه‌اش را برای اسلام بگشاید." (مجلسی، بی‌تا، ج ۶۵، ص ۲۱۱) ثمره این نقطه سفید در قلب، پذیرش حق است: «خداوند عزوجل چون خوبی بنده‌ای را بخواهد، نقطه‌ای سفید در قلب او ایجاد کند که در نتیجه آن، دل در طلب حق به گردش درآید و آنگاه شتابان‌تر از پرنده‌ای که به آشیانه‌اش رسد، به عقیده شما می‌گراید.» (همان، ج ۵، ص ۲۰۴؛ برقی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۰۱) و عقیده صحیح را گرویدن به آل محمد علیهم السلام تبیین فرموده‌اند: «کلیب بن معاویه گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: از مردم دور شوید همانا خدای عزوجل چون خیر بنده‌ای را خواهد، در دلش نقطه و اثری گذارد و او را رها کند، او خود به گردش افتد و حق را بجوید، سپس فرمود: کاش شما هرگاه با مردم به سخن می‌پرداختید می‌گفتید: ما از راهی که خدا رفته

رفته‌ایم و هرکه را خدا انتخاب نموده انتخاب کرده‌ایم، خدا محمد را انتخاب کرد و ما آل محمد ﷺ را انتخاب کردیم. (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۱۹۰) طبیعتاً پس از آگاهی به این امر خطیر بدان حریص خواهند شد: «... حَتَّىٰ يَكُونَ أَحْرَصَ عَلَىٰ مَا فِي أَيْدِيكُمْ...»؛ تا آنجا که بر آنچه در دست شماست (امر ولایت) از خود شما حریص‌تر گردد. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۴، ص ۴۴۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۱۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۵۶) با تبعی که در روایات انجام شد، مصادیق دیگری برای اراده خیر یافت می‌شود که می‌تواند با شرح صدر ارتباط داشته باشد: «... إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَهَّهُ فِي الدِّينِ»؛ هنگامی که خداوند خیر و سعادت بنده‌ای از بندگان خود را بخواهد او را به احکام دین بصیر و بینا می‌گرداند. (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۵۷؛ طبرسی، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۱۳۲؛ مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۱۷) در برخی روایات الهام یقین نیز در فراز حدیث ذکر شده است. (آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۹۱) در احادیثی دیگر نتیجه بصیرت در دین، توجه به عیوب خود دانسته شده است: «آنگاه که خداوند به بنده‌ای اراده خیر بنماید، او را از دل‌بستگی و وابستگی به دنیا نجات می‌دهد و به معارف دینی آشنا و عالم می‌گرداند و به عیوب دنیا آشنا و بینا می‌کند. هرکس که خداوند این سه خصلت را به او داده، تمام خیر دنیا و آخرت را به او عطا و عنایت کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۱۱۴) در روایتی دیگر الهام طاعت، الزام به قناعت، بصیرت در دین از مصادیق اراده خیر خداوند برای بنده شمرده شده است: «... أَنْ اللَّهَ تَعَالَىٰ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ طَاعَةَ وَ الزَّمَمَهُ قَنَاعَةً وَ فَقَهَهُ فِي الدِّينِ وَ قَوَّاهُ بِالْيَقِينِ فَكَانَتْفَىٰ بِالْكَفَافِ وَ تَحَلَّىٰ بِالْقَنَاعَةِ» (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۳۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۰، ص ۷۰۳؛ ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۸۱)؛ همانا خدای تعالی اگر برای بنده‌ای خیر بخواهد به او طاعت الهام می‌کند و او را ملزم به قناعت نموده و فقه در دین به او اعطا می‌نماید و او را بسیار اهل یقین می‌کند اکتفا در معیشت و به قناعت زینتش می‌دهد.

در روایتی دیگر عفت بخشیدن به فرد از مصادیق اراده خیر ذکر شده است: «چون خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد، او را در شکم و شهوت عقیف گرداند.» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۸۹) از دیگر مصادیق اراده خیر، رفق و ملایمت در معیشت و اخلاق قابل ذکر است: هرگاه خداوند برای خانواده‌ای خیر و خوبی بخواهد، رفق و ملایمت در معیشت

و اخلاق نیک را روزی آنان سازد. (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۶۵؛ مجلسی، بی تا، ج ۶۸، ص ۳۹۴؛ نوری، ۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۵۰؛ مغربی، ۳۸۳ق، ج ۲، ص ۲۵۵) در روایتی دیگر اصلاح زوج را از مصادیق اراده خیر خداوند بر بنده ذکر کرده است. (آمدی، ۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۸۹؛ لیشی الواسطی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۳۱) و در نهایت انس به تنهایی از اراده خیر خداوند به فرد تلقی گردیده است: «هنگامی که خدا خیر بنده‌ای را بخواهد او را به تنهایی انس می‌دهد.» (ورام، ۱۳۰۳ش، ج ۲، ص ۱۵)

### تحلیل و بررسی

به نظر می‌رسد مصادیق روایات «اذا اراد الله بعبد خیرا» با شرح صدر ارتباط وثیقی دارند زیرا اگر به سیر منطقی این احادیث نیز نظری بیفکنیم، پس از عوامل اولیه شکل دهنده شرح صدر، ابتدا نقطه‌ای سفید در قلب فرد ایجاد می‌شود که خود باعث پذیرش حق می‌گردد. این حق در روایات، تاسی و پیروی از آل محمد ﷺ معرفی شده است. پس از فهم این مسئله و آگاهی بر آن، حرص بر ولایت یکی دیگر از مصادیق اراده خیر خداوند بر بنده ذکر شده است.

البته شکل‌گیری این روند کاملاً مبتنی بر تفقه در دین و توجه به عیوب خویش است؛ در این حالت طاعت الهی بر وی الهام می‌گردد، رفته‌رفته قناعت شاکله وجودی فرد می‌شود و خود عفت را به ارمغان می‌آورد.

به تصریح آیه «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَیٰوةً حَسَنَةً» (نحل: ۹۷) که حیات طیبه را قناعت معرفی می‌کند (نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۲۹) تأثیر عمیقی بر سبک زندگی می‌گذارد. امیرالمؤمنین ﷺ اثر قناعت را این‌گونه بیان کردند: «هرکس به مقدار کفایت قناعت کند، آسایش می‌یابد و برای خویش زمینه گشایش فراهم می‌کند.» (کلینی، ۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۹؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱) قناعت خود مولد رفق و ملایمت در معیشت سبب اصلاح زوج و مواردی از این دست است و در نهایت فردی که مبتنی بر آگاهی و تفقه، این شیوه را اختیار می‌نماید از تنهایی نمی‌هراسد و با وحدت انس می‌گیرد.

### ۳-۶. نتایج شرح صدر

رسیدن به مقام قرب الهی منوط به سه مرحله علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین است. انسان مؤمن باید علم را از قرآن و اهل بیت ﷺ دریافت کند. سپس از مرحله علم



حصولی به علم حضوری و از علم‌الیقین به مرحله شهود حقیقت‌ها و عین‌الیقین برسد. در این مرحله، قلب و باطنش آمادگی دریافت نفحات الهی را پیدا می‌کند و بصیرتی می‌یابد که خداوند در هر لحظه‌ای به او لطف نموده، او را از مکاره دور می‌کند زیرا چشم بصیرتش، نوری دارد که همیشه به اعتقاد و عمل صحیح می‌تابد.

شرح صدر در سه مرحله، سه نوع نور نصیب انسان می‌کند: نور عقل در آغاز راه، نور علم در وسط مسیر سلوک و نور عرفان در پایان مسیر. در نتیجه در پرتو این انوار، انسان به درک و شهود بسیاری از حقایق دست می‌یابد و بسیاری از حجاب‌ها از جلوی چشم او کنار می‌رود و می‌تواند برخی از عوالم ملکوت را مشاهده کرده، باطن پدیده‌ها را ببیند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «از فراست و دید نافذ مؤمن پرهیز کنید و مواظب باشید که مؤمن با نور الهی می‌تواند بسیاری از امور را ببیند.» (صفار قمی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۵۷؛ سجادی، ۱۳۷۰ش، ۵۰۳) نور باطنی باعث می‌شود که معرفت و شناخت توحید حاصل شود. انسان‌ها با وجود نور پیامبر (مائده: ۱۵) و امامان معصوم به معرفت و شناخت می‌رسند: «... إن الحسین بن علی فی السماء أكبر منه فی الأرض فإنه مكتوب عن یمین العرش مصباح هاد و سفینة نجات...» (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۴) مصباح یعنی چراغی که نورش در خودش است و خاموشی ندارد؛ تحت شعاع این نور زندگی کردن توانمندی‌های انسان را شکوفا می‌کند. وقتی انسان‌ها در شعاع این نور قرار می‌گیرند جهان‌بینی آنان عوض می‌شود. لذا یاران سیدالشهدا با بصیرتی که یافتند، دست از ماسوی‌الله شسته و بذل جان نمودند.

خداوند در نفس انسان، استعدادهای زیادی قرار داده است که شکوفا شدن آن‌ها در پرتو اسلام محقق می‌گردد. در معنای اسلام، به تمام معنا تسلیم ذات حق شدن و پذیرای حکم حق بودن نهفته است. اگر کسی وجود خود را تسلیم خدا کند و طوق بندگی و عبادت الهی را به گردن بیاویزد، شرح صدر محقق می‌گردد. تا زمانی که انسان اختیار خودش را به ذات حق واگذار نکند، این انسان به مرتبه عبودیت نمی‌رسد. عبد، وجودش چنان تسلیم حق می‌شود که اسما و صفات الهی در او تجلی می‌کند، ولایت الهی را می‌پذیرد و زنجیر نفس شهوت، زر و زور و... را باز می‌کند. آنچه عامل دیدن و رسیدن به اعماق وجود است، نور است و در شعاع این نور می‌توان حقایق عالم را شهود

کرد. هر مقداری که انسان‌ها به نور هدایت الهی نزدیک‌تر شوند و شرح صدر ایجاد شود، به همان اندازه استعدادها باز شده، توانمندی‌ها رخ می‌نماید و اسما و صفات الهی در جان می‌نشیند. «نور اسلام، فرد را در طی طریق و سلوک راهبری می‌نماید به گونه‌ای که در قلبش نور قرآن و ایمان طلوع نموده و این نور باطنی به گونه‌ای است که در هر عرصه‌ای راه را به او می‌نمایاند و این چراغ فراراه او پرتوافشانی می‌کند.» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۵۲۳)

### ۱-۳-۶. بهره‌مندی از قرآن تابع شرح صدر

بهره‌مندی از قرآن تابع شرح صدر است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند کلام خودش را سه قسم کرده؛ یک قسم آن را به گونه‌ای قرار داده است که عاقل و جاهل می‌فهمند. قسم دوم قرآن را افرادی می‌فهمند که صفای ذهن، لطافت حس و تمییز صحیح دارند و شرح صدر دارند و قسم سوم مختص خدا، امنا و راسخون است که قابل انتقال به غیر نیست. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۴، ص ۴۴۲)

اگر خداوند به کسی شرح صدر داد، لطافت حس و صحت تمییز پیدا می‌کند، انوار قرآن مورد فهمش واقع می‌شود و در معرض هدایت قرآن قرار می‌گیرد.

### ۲-۳-۶. نشانه شرح صدر در روایت نبوی

از پیامبر صلی الله علیه و آله نشانه شرح صدر را پرسیدند. حضرت فرمود: شرح صدر یک نورانیت الهی است که در قلب مؤمن واقع می‌شود: «نورٌ یَقْدِفُهُ اللهُ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِ فَيُشْرِحُ صَدْرَهُ وَ يَنْفَسِحُ.» (مجلسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۳۶؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۴۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۹، مقدمه) قلب انسان با نزول این نور، منشرح و گسترده می‌شود. دیوارها و حجاب‌ها برداشته شده، وسعت حاصل می‌شود و حقایق به این قلب نازل می‌گردد. از علامت آن سؤال کردند، حضرت فرمودند: ۱. در برابر دنیا حالت دل‌کنندگی پیدا می‌کند؛ ۲. متمایل به خلود شده و بدانجا روی می‌آورد؛ ۳. قبل از اینکه فرصتش تمام شود و بخواهند او را از دنیا ببرند، خودش آماده رفتن از دار دنیا و مهیای موت است. (طبرسی، ۱۳۷۹ش، ج ۴، ص ۵۶۱) لذا کسی که از دنیا جدا شده و بی‌قرار آخرت و مهیای سفر به عالم آخرت است، درهای فهم باطنی قرآن برایش باز می‌شود. مؤمن وقتی از دنیا خالی شد سماواتی می‌شود و نورانیت در قلب واقع می‌شود. این شرح صدر نورانیتی است که

از نور قرآن و ولایت ائمه علیهم‌السلام است که راه را برای بقیه هدایت‌های قرآنی باز می‌کند. تا آن مرتبه از نورانیت در قلب نباشد، زمینه فهم معارف باطنی و سیر بعدی با قرآن فراهم نمی‌شود.

### تحلیل و بررسی روایت نبوی

بر اساس حدیث امام رضا علیه‌السلام که در گونه دوم احادیث ذکر شد، حاق شرح صدر و نورانیت قرآن نزد امام معصوم است. همه مراتب قرآن در قلب امام است. در حدیث عنوان بصری، وقتی راوی از حضرت امام صادق علیه‌السلام درخواست می‌کند که به او تعلیم دهد، حضرت فرمود: علم و دانش به یادگیری نیست، بلکه نوری است در دل کسی که خدای متعال می‌خواهد او را هدایت کند. اگر کسی طالب علم باشد، ابتدا باید بندگی حقیقی را در خود به وجود آورد و علم را برای عمل کردن بیاموزد و از خداوند فهم طلب کند تا فهم شود. سپس در قسمت دیگری از حدیث، حقیقت بندگی را سه چیز تبیین نمودند: اول اینکه بنده آنچه را خدا به او بخشیده ملک خود نداند؛ دوم اینکه بنده تدبیر امور خودش را نمی‌نماید؛ سوم اینکه تمام وقت خود را صرف انجام اوامر خدا و ترک نواهی او کند. بنابراین هرگاه بنده چیزی را که خدا به او بخشیده ملک خود نداند، انفاقش در راه خدا بر وی آسان گردد و هرگاه تدبیر امورش را به دست مدبر واقعی سپرد، سختی‌های دنیا برایش آسان شود و هرگاه بنده به امر و نهی خدا گردن نهد، هیچ‌گاه با مردم جدال نمی‌کند و به آنان فخر نمی‌فروشد. هرگاه خداوند به بنده این سه خصلت را عطا فرمود، دنیا و شیطان و مردم در نظرش خوار می‌شود، که این اولین درجه پرهیزگاران است. (قصص: ۸۳)

نکته قابل تأمل در مقارنه حدیث عنوان بصری و حدیث رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تطبیق این دو حدیث است، به گونه‌ای که تا عبودیت حاصل نشود نورانیت ایجاد نمی‌شود و شرح صدر محقق نمی‌گردد. لذا رسیدن به حقایق و علم قرآن شرح صدر و مقام عبودیت می‌خواهد. انسانی که عبد شد، «جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا» (شوری: ۵۲) به او فرقان اعطا می‌کنند و قدرت تشخیص حق و باطل به دست می‌آورد.

### ۷. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. شرح صدر فضل و متنی بر پیامبر ﷺ و امری فراتر از مقام نبوت است.
۲. شرح صدر در صورت تحقق عبودیت و بندگی از جانب خداوند متعال اعطا می‌شود و با آن ارتباط وثیقی دارد، مقدمه‌ای است تا فرد به وسیله آن به هدایت رهنمون گردد.
۳. تتبع در روایات ناظر بر شرح صدر، بیانگر ویژگی‌های پیامبر ﷺ، امام و پیشوای دینی است و در برخی دیگر با شیعه واقعی و تولی او نسبت به امام معصوم و انسان مؤمن در پیوند بوده، و بر مبنای برخی دیگر از روایات به‌طور مصداقی با خیرخواهی خدا نسبت به بنده و انعام و پاداش الهی به وی مرتبط و به آن تصریح شده است.
۴. برآیند بررسی روایات شرح صدر در تفاسیر شیعی، تفتن بر معنای تأویلی باطنی این واژه است به‌نحوی که با نام امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ولایت او در پیوند با معنای شرح صدر گره خورده است. بحث از شرح صدر در برخی تفاسیر روایی اهل سنت نیز قابل توجه است. بر اساس برخی از این روایات شرح صدر نشانه و آیت بوده و بر مبنای برخی دیگر شرح صدر نتیجه و پیامد مثبت پایبندی به مقولاتی مانند توحید، اسلام، ایمان و علم (حقیقی) توسط پیامبر ﷺ است. به دیگر سخن در این قبیل موارد شرح صدر به‌مثابه نتیجه موحد بودن پیامبر به شمار رفته که تبلور آن را در نبوت و ارتباط او با آموزه‌های وحیانی باید مورد توجه قرار داد.
۵. عوامل زمینه‌ساز شرح صدر در روایات عبارت‌اند از: الف. معرفت؛ ب. عبادت؛ ج. ذکر؛ د. دعا.
۶. خصایص شرح صدر به پیامبر ﷺ، امام و پیشوا، منسوبین به ائمه، بنده‌ای که خداوند برای او خیر بخواهد، پاداش بر طاعت به بندگان، شیعیانی که درصدد معرفت نورانیت امیرالمؤمنین هستند و مؤمنین اعطا می‌شود.
۷. نتایج شرح صدر در روایات عبارت است از: الف. اعطای نور که به‌واسطه آن انسان به درک و شهود حقایق دست می‌یابد و معرفت و شناخت توحید حاصل شود؛ ب. بهره‌مندی از قرآن. در صورت اعطای شرح صدر به بنده، لطافت حس و صحت تمییز پیدا می‌کند و انوار قرآن مورد فهم واقع می‌شود و در معرض هدایت قرآن قرار می‌گیرد.

۸. حاق شرح صدر و نورانیت قرآن نزد امام معصوم و همه مراتب قرآن در قلب امام است. لذا معیت با امام شرح صدر را به ارمغان می‌آورد. از آنجا که امام معصوم مصداق اتم و اکمل نور و معرفت است، معیت و همراهی با امام معصوم به شرح صدر می‌انجامد و شرح صدر یعنی شناخت امام بالنورانیه و پذیرش قلبی فضایل او.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح مهدی رجایی، قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن ابی جمهور احسایی، محمد بن زین‌الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، قم: انتشارات سیدالشهداء، ۱۴۰۳ق.
۴. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، بی‌جا: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا.
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، لبنان: مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، لبنان: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۸. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهره فی فضایل العترة الطاهره، تحقیق ولی حسین استاد، قم: جماعه المدرسین، ۱۴۰۹ق.
۹. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۶ق.
۱۰. بحرانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال، محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۵ق.
۱۱. برازش، علیرضا، تفسیر اهل بیت علیهم السلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۴ش.
۱۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق مهدی رجایی، قم: مجمع العالمی لاهل البيت، ۱۴۱۶ق.
۱۳. بکری، احمد بن عبد الله، الأنوار فی مولد النبی صلی الله علیه و آله، ج ۱، قم: بی‌نا، ۱۴۱۱ق.
۱۴. ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان المعروف تفسیر ثعلبی، تحقیق ابی محمد ابن عاشور، لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۵. حافظ برسی، رجب بن محمد، مشارق الأنوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین، تحقیق علی عاشور، بیروت: انتشارات اعلمی، ۱۴۲۲ق.

۱۶. حر عاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تهران: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۱۷. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۳ق.
۱۸. خمینی، روح الله، آداب الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۴ش.
۱۹. —، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۴ش.
۲۰. —، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸ش.
۲۱. دیلمی، حسین بن محمد، اعلام اللدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۲۳. راوندی کاشانی، سید فضل الله بن علی، النوادر، تحقیق احمد صادقی اردستانی، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، ۱۳۷۶ش.
۲۴. رودباری، مسعود، بررسی شرح صدر در آیات و روایات، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: سید رضا مؤدب، دانشگاه قم، ۱۳۸۵ش.
۲۵. سجادی، سید جعفر، فرهنگ اصطلاحات عرفانی، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۷۰..
۲۶. سماهیچی، عبدالله بن صالح، الصحیفة العلویة و التحفة المرتضویة، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۳، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۶ق.
۲۷. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر سمرقندی مسمی بحر العلوم، تحقیق عمر عمروی، لبنان: دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
۲۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المشور فی التفسیر بالمأثور، ج ۱، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۹. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی، قم: ناشر امیرالمومنین، ۱۳۹۱ش.
۳۰. شعرانی، ابوالحسن و محمد قریب، نثر طوبی یا دائرة المعارف لغات قرآن مجید، ج ۵، تهران: اسلامیه، ۱۳۸۸ش.
۳۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح أصول الکافی، تصحیح محمد خواجوی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۶۶ش.
۳۲. صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۳۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ش.
۳۴. طبری، محمد بن جریر بن یزید، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۳۵. طبرسی، علی بن حسن بن فضل، مشکاة الأنوار فی غرر الاخبار، ترجمه عبدالله محمدی، قم: دار الثقلین، ۱۳۷۹ش.

۳۶. —، مکارم الاخلاق، چ ۴، قم: بی‌نا، ۱۴۱۲ق.
۳۷. —، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۳۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تحقیق احمد حسینی اشکوری، چ ۳، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۳۹. طلوع، معصومه، شرح صدر، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۶ش.
۴۰. علوی، محمد بن علی بن الحسین، المناقب للعلوی الکتاب العتیق، تصحیح حسین موسوی بروجردی، قم: انتشارات دلیل ما، ۱۴۲۸ق.
۴۱. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر العیاشی، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.
۴۲. فراهدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق ابراهیم سامرای و مهدی مخزومی، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
۴۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تصحیح حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۴۴. قرشی، سید علی اکبر، قاموس القرآن، چ ۶، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۴۵. قطب راوندی، سعید بن هبةالله، قصص الانبیاء، تحقیق غلامرضا عرفانیان یزدی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۴۶. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، چ ۲۰، تهران: آیین دانش، ۱۳۹۲ش.
۴۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتب، ۱۳۶۳ش.
۴۸. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقایق و بحر الغرایب، تحقیق حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۵۰. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، تحقیق محمد کاظم، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۵۱. لیثی الواسطی، علی بن محمد، عیون الحکم والمواعظ، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ش.
۵۲. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۲ق.
۵۳. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ق.
۵۴. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تحقیق محمدباقر محمودی، چ ۱، بی‌جا: دار احیاء التراث العربیه، بی‌تا.
۵۵. —، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، چ ۲، تهران: دار

۲۴۲ □ دو فصلنامه علمی حدیث پژوهی، سال چهاردهم، شماره بیست و هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.

۵۶. مغربی، ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام

عن اهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل السلام، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۳۸۵ق.

۵۷. مفید، محمد بن محمد، تصحیح اعتقادات الامامیه، تحقیق حسین درگاهی، قم: المؤتمر العالمی لالفیه

الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.

۵۸. —، امالی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ق.

۵۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه، بی تا.

۶۰. میری، زهره سادات، شرح صدر در قرآن و روایات، تهران: بیکران دانش، ۱۳۹۵ش.

۶۱. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت

للاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.

۶۲. واقفی، قاسم، شرح صدر، قم: زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق

۱۳۸۹ش.

۶۳. ورام، ابن ابی فراس، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، تهران: مکتبه الفقیه، ۱۳۰۳ش.

۶۴. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، برگزیده فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.